

یک شاخه گل برنامه شماره ۳۳۶ (شب جدایی) کورس، آهنگ: هایون خرم، ترانه: یسین بهبانی، دشتی

یک شاخه گل دماغ پرور      از خرمن صد کلاه بهتر

آذر پوش: (شعر از عارفیه کرمانی)

غنچه دغان من یا سنگدلی من یسین      بی تو هنوز زنده ام سنگدلی من یسین

استاد حمید ابده بدیعی در آمد دشتی را آغاز می کند.

(امید بلبل بی دل ز گل وفاداری است) ۲      ولی وفا کند شادی که بازاری است  
جفای دوست به غایت رسید می ترسم      که انتهای جفا ابتدای سیزاری است

آقای بدیعی، بچنان می نوازد.

جفای دوست به غایت رسید می ترسم      که انتهای جفا ابتدای سیزاری است

اشعاری که شنیدید از عارفیه کرمانی بود. وی از شاعران مشهور قرن هفتم هجری و معاصر  
خواجہ شیراز بوده است، عا در تصوف و عرفان مقامی بلند داشت و خانقاه او در شهر کرمان  
مربع خواص و عام و عارفان و سالکان طریق بود. از این شخص برای نامی دیوانی مشتمل بر قصائد  
و غزلیات و مثنویات و رباعیات باقی مانده ولی تاکنون به طبع نرسیده است. اغلب مسمکوه نویسان  
مقام ادبی و مرتبه معنوی او را ستوده و وی را از بزرگان و فضیلهای زمان خود خود شمرده اند.  
تولد عا در اواخر قرن هفتم و وفاتش به سال ۷۷۳ هجری در شهر کرمان روی داده است.  
عارفیه ارادت خواصی نسبت به شیخ اجل سعدی داشته و در آثار خود چندین بار به این  
ارادت اشاره کرده است، از جمله در غزلی چنین می گوید.

اوله دکلمه:

آن سایه های به من بازگئی رسد      چچاره ضعیف به اعزازگئی رسد  
مشهور شد به نظم روان در جهان عاد      لیکن به کرد سعدی شیرازگئی رسد

آقای بدیع بچخان به سلونوازی ادامه می دهد.

اینک پاره ای از ایات بر حه اورا به سمع صاحب دلان می رسانیم.

حال آقای بدیع و جهانگیر ملک نغانی ضربی به یادگاری نوازند.

کربا تو شبی دست در آغوش توان کرد      غمهای تو سهل است، فراموش توان کرد

هنرمندان بچخان ادامه می دهند.

(از این دیار گذشتی و سال باگذشت) ۲      هنوز بوی تومی آید از منازل ما

باز هم آقایان بدیع و جهانگیر ملک نغمه های در دشتی می نوازند.

سرمایه سعادت دنیا و آخرت      در یک نظر به گوشه چشم توبه است

نوازندگی بچخان ادامه دارد.

(ای دل کشیشی زد کبریا بنخواه) ۲      اخلاص پیش کسیر و خلاص از ریا بنخواه

بکشاکف نیازگر از اهل حاجتی      بگازدگر نمی دهد از آشنا بنخواه

دل در سبب بند و مسبب را ملکن      بر کسیر دل ز خلق و مراد از خدا بنخواه

کورس سرچنگ زاوه: (شعر از سیمین بهبانی)

نه در شلم جلوه روشنایی

نه بر لبم قصه ی آشنایی

نه مرزین نفس رئایی

نه در شلم جلوه روشنایی

نه بر لبم قصه ی آشنایی

نه مرزین نفس رئایی

نه باده در ساغر من

نه دست کس بر سر من

شب جدایی

وای تنها چه کنم با غمها چه کنم

نه باده در ساغر من

نه دست کس بر سر من

شب جدایی

وای تنها چه کنم با غمها چه کنم

حکایت شب غمنا را

حدیث عشق بی پروا را

نکایت دل رسوا را با که گویم

نه شوق روی یاری در دل

نه شور انگیزی در دل

نگسسه تهمچو خاری در دل آرزویم

چرا، حرارت از سوی من

بلوکه آن آتش خوی من

جدا از او خاکستر شدم

که از شر سوزان تر شدم

نکایت دل رسوا را

حدیث عشق بی پروا را

حکایت غم شبارا با که گویم

نه باده در ساغر من

نه دست کس بر سر من

شب جدایی

وای تنها چه کنم با غمها چه کنم

کوینده آقا زارادو:

برنامه‌ای که شنیدید شاخه‌گل شماره ۳۳۶ بود که با شرکت کورس و حبیب‌الله بدیمی و جهانگیر ملک تنظیم گردیده، آهنگ دشتی از بایون خرم، اشعار از عارفیه، ترانه از سیمین بهبانی کوینده آذرپوش.

مدت زمان برنامه ۱۴ دقیقه و ۱۷ ثانیه می‌باشد.

### توضیحات:

آنچه به سمع و نظر صاحب‌دلان رسید شاخه‌گل شماره ۳۳۶ بود که با همین شماره به ثبت رسیده. معرفی برنامه کامل است و کسری حس نمی‌شود فقط باید ذکر شود که آقای بدیمی در بخش اشعار متن سلونوازی کرده ولی در خلال ترانه که آهنگش از آقای بایون خرم است مکان آقای خرم به گوش می‌رسد و شعر ترانه در برخی از واژه‌های تکرار شده پس و پیش خوانده شده که مشخص نیست اشتباه از خواننده بوده و یا رادیو تصمیم گرفته که به دو شکل خوانده شود. ضمنیّت اول برنامه که توسط کوینده آقامانند برنامه قبل دکلمه شده در بعضی از شاخه‌گها دکلمه شده که تاکنون برایم مشخص نشده سراینده آن چه کسی بوده، آن شعر چنین است.

یک شاخه‌گل دماغ پرور  
از خرمن صد گدایه بهتر

توجه: کلیه مطالب مندرج در بالا توسط محقق محترم جناب استاد علیرضا دربندی تهیه شده که شامل بررسی کامل برنامه و توضیحات افزوده شده شخص ایشان می‌باشد. جای دارد که سپاس فراوانمان را نثار ایشان بنماییم زیرا که نتیجه سالها زحمات خویش را وقف عموم کرده اند. در خاتمه از دوستانی که جهت تصحیح و تکمیل این مطالب مایل به همکاری هستند تقاضا مندم از طریق آدرس ایمیل [Asheghane1golha@gmail.com](mailto:Asheghane1golha@gmail.com) با ایشان تماس حاصل نمایند.